

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)
سال چهارم، شماره (۱۶)، زمستان ۱۳۹۴

تأثیر سنت‌های محرم بر هویت اجتماعی شیعیان هند

محمدعلی ربانی*
محمد رضا بارانی

چکیده

پایبندی و اهتمام شیعیان بر مراسم عزاداری شهدای کربلا علاوه بر ماهیت مذهبی آن از ماهیتی اجتماعی نیز برخوردار بوده و مجموعه ای از مشخصات و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی را در بر دارد. این امر به نوبه خود باعث شکلگیری و پاتایرگذاری این سنت مذهبی شیعی در ادبیات، هنر، روابط اجتماعی، تحولات سیاسی، و همچنین نوع برداشت و فهم شیعیان هند از دین و مذهب شده است. در این مقاله سعی شده است تا با تاکید بر دیدگاه خاورشناسان به این پرسش اصلی پاسخ دهد که سنت‌های آئینی محرم چه تأثیری بر هویت دینی-اجتماعی و همچنین مناسبات اقلیت شیعه هند با سایر گروه‌های قومی و مذهبی هند دنبال داشته است؟ همچنین این مقاله که به روش پدیدارشناسی به تحلیل و توصیف پدیده مذهبی و اجتماعی مربوط به سنت‌های عزاداری محرم در هند می‌پردازد، بر این فرضیه مبتنی است که هویت شیعی در هند بر ساخته اجتماعی است که هم دارای عناصر ثابت و هم پذیرنده اشکال متغیر است که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و محیطی تحول می‌یابد. لذا سنت‌های آئینی محرم در هند علاوه بر تنوع و تفاوت‌های موجود در آن در نواحی مختلف هند، گاهی منجر به بروز تضادهای ایدئولوژیکی شیعه و سنی شده و در منطقه ای عامل پیوست و همبستگی آنان با سایر مذاهب و فرق بشمار می‌رود.

واژگان کلیدی: هند، شیعه، سنت‌های محرم، هویت اجتماعی.

* دانشجوی دکتری تاریخ تشیع و پژوهشگر مطالعات فرهنگی بین‌المللی
استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهرا m.barani@alzahra.ac.ir
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۸/۳
نویسنده عهده‌دار مکاتبات: rabbanimohammadali@yahoo.com

مقدمه

علی‌رغم در اقلیت بودن جمعیت مسلمانان در هند؛ امروزه نیز این کشور یکی از قطب‌های جمعیتی و فرهنگی جهان اسلام بشمار آمده و شیعیان با قریب به بیست میلیون جمعیت و همچنین نقش و سهم تاریخی و سیاسی حائز اهمیتی که در این کشور بر عهده داشتند همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران مطالعات اسلامی در هند بوده‌اند. در این میان، عمده منابع و پژوهش‌های صورت گرفته درباره شیعه در هند که عمدتاً توسط خاورشناسان صورت گرفته است نیز مربوط به معرفی سنت‌های آیینی محرم در نزد شیعیان هند بوده است. هرچند مستشرقان عمدتاً به بررسی ابعاد نمایشی عاشورا نظیر تعزیه، ماتم، جلوس و همچنین ابعاد ادبی آن مانند سوگواره‌های عاشورایی پرداخته‌اند، ولی بررسی توصیفی و میدانی مناسبی را نیز از تأثیر و کارکردهای سنت‌های عاشورا در همگرایی و واگرایی اقلیت شیعه هند با مسلمانان سنی و همچنین غیرمسلمانان هند، تأثیر محرم در هویت و قدرت سیاسی شیعه در هند، نقش محرم در تقویت همبستگی اجتماعی شیعیان و دیگر تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ارائه کردند.^۲ دلیل عمده توجه خاورشناسان به بررسی سنت‌های محرم در نزد شیعیان هند را می‌توان ناشی از تأثیرات عمیق فرهنگی و اجتماعی و هویتی حادثه عاشورا در شیعیان شبه‌قاره هند برشمرد.

آداب و رسوم مذهبی شیعیان هند بسیار متنوع و گوناگون است. این تنوع و گوناگونی نه تنها در روش‌ها و سنت‌های برپایی عزاداری بلکه در نوع واکنش و تأثیر آن در مناسبات اقلیت شیعه بویژه با اهل سنت نیز به چشم می‌خورد. در حالی‌که مراسم شیعیان در شهرهایی چون لکنهو و اوده بر سنت تعزیه تأکید دارد، در حیدرآباد و اوتاپرادش از آئین‌ها و شمایل نگاری استفاده می‌کنند که نشان‌دهنده نفوذ و تأثیر آداب و سنن بومی جنوب آسیا است. این تمایل و گرایش تلفیقی شبه‌قاره هند آنقدر قوی است که اگر بخواهیم به شناخت تشیع در هندوستان به صورت تجربه‌ای زنده و نه صرفاً به صورت اعتقادی و مذهبی بپردازیم، باید آن‌را به عنوان تنها یک ویژگی در امتداد زنجیره‌ای از عادات مذهبی جنوب آسیا تلقی کنیم. محدوده بحث ما در این مقاله در خصوص شیعیان دوازده امامی هند بوده و در آن در خصوص سنت‌های محرم در نزد شیعیان هند؛ منشاء پیدایش و گسترش این سنت‌ها؛ بررسی نسبت قدرت سیاسی شیعه در هند با گسترش یا کاهش توجه و اهمیت برپایی سنت‌های مذهبی؛ تأثیر سنت‌های محرم در واگرایی یا همگرایی شیعه با سایر مذاهب و ادیان در هند؛ بررسی نسبت هویت شیعی در هند با سنت‌های آیینی محرم؛ نقش محرم در پیوستگی‌های داخلی و بیرونی اقلیت شیعه در هند؛ بویژه آن دسته از سنت‌ها که کنش جمعی و هویت بخش شیعیان هند بشمار می‌آیند پرداخته می‌شود.

از دیگرسوی؛ سنت‌ها و آئین‌های مذهبی در مطالعات فرهنگی و اجتماعی هند اهمیت بسزایی دارد و به لحاظ پیشینه تاریخی نیز گروه‌های مذهبی در هند عمدتاً براساس عناصری چون

معابد و زیارتگاهها، مراسم، نمادها و سنت‌هایی شناخته می‌شوند که آنانرا با سایر فرق و ادیان متمایز می‌سازد.

دیگر اینکه؛ محرم یکی از متغیرهای اصلی در تحولات اجتماعی و فرهنگی و عامل مهم در هویت‌سازی اقلیت شیعه در هند دانسته که نوعی قواعدسازی مربوط به نحوه روابط درونی و همچنین پیوندهای اجتماعی و فرهنگی شیعه با سایر گروه‌های مذهبی و قومی در این کشور را نیز در قالب همگرایی و گفتگو و بعضا واگرایی و تعارض بدنبال دارد. لذا سنت‌های آئینی محرم در هند علاوه بر تنوع و تفاوت‌های موجود در آن در نواحی مختلف هند، گاهی منجر به بروز تضادهای ایدئولوژیکی شیعه و سنی شده و در منطقه‌ای عامل پیوست و همبستگی آنان با سایر مذاهب و فرق بشمار می‌رود. دیگر اینکه؛ سنت‌های آئینی محرم در میان شیعیان هند علاوه بر وجه مذهبی آن، از دیرباز نشانه‌ای از گرایش‌های فکری، هنجارها، باورها و عنصر برجسته از هویت تاریخی و مذهبی آنان محسوب می‌شده و علاوه بر تاثیرگذاری آن بر فرایند سیاسی شدن هویت شیعی بویژه در دوران حکومت‌های شیعی مذهب در هند، نوعی قواعدسازی مربوط به نحوه روابط درونی و همچنین پیوندهای اجتماعی و فرهنگی شیعه با سایر گروه‌های مذهبی و قومی در این کشور را نیز در قالب همگرایی و گفتگو و بعضا واگرایی و تعارض بدنبال داشته است.

جمعیت و پراکندگی شیعیان هند

بر اساس گزارش سال ۲۰۰۱م کمیته ساچر^۳، مسلمانان به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت دینی در این کشور، ۱۳/۴ درصد از کل جمعیت هند را تشکیل می‌دهند. (کوکبی، ۱۳۹۳: ۱۱) هر چند آمار دقیقی از جمعیت شیعیان هند وجود ندارد، ولی جمعیت شیعیان هند حدود ۱۰ درصد از کل جمعیت مسلمان را شامل می‌شوند. (نقوی، ۱۳۹۰: ۴۶) به دلیل امتناع اقلیت‌ها از سرشماری، تلاش حکومت‌ها در کم‌شمار نشان دادن جمعیت اقلیت‌ها و همچنین ارائه آمارهای اغراق‌آمیز از سوی اقلیت‌ها، کمتر می‌توان آمار دقیقی از اقلیت‌های شیعه در جهان به دست آورد.

از بدو پیدایش تشیع در هند شیعیان بنا بر مقتضیات فرهنگی و قومی در مناطق مختلف سرزمین هند به‌ویژه مناطق مسلمان‌نشین پراکنده شدند. کمترین شمار شیعه در ایالت آسام و بیشترین تعداد آن‌ها در پنجاب و دهلی متمرکز شده است. (هالیستر، ۱۳۷۳: ۳۲۰) هند پس از ایران دارای بیشترین جمعیت شیعه در میان کشورهای مختلف جهان است و در زمان یوسف عادل شاه - اواخر قرن دهم ه ق - برای مدتی تشیع مذهب رسمی اعلام شد. ۴

شیعیان دوازده‌امامی در لکنهو و، جامو، کشمیر، کلکته، دهلی، احمدآباد، گجرات، بمبئی، حیدرآباد و پونا سکونت دارند. در بین شیعیان؛ فرقه‌های بهره - شش امامی - ممون -

چهارامامی - اغلب در ایالت «مهاراشترا» ساکن‌اند. ۵. هرچند جمعیت شیعیان در مقابل سایر اقوام، در اقلیت می باشد، ولی همواره به دلیل نقشی که در موازنه قدرت سیاسی در نظام حزبی هند بر عهده داشتند مورد توجه بودند. لکنهو و حیدرآباد دو مرکز مهم شیعی در هند بشمار می آمد که حوزه‌های بزرگ دینی در آن واقع شده بود. (Howarth, 2005: 16)

مؤلفه‌های هویت‌ساز تشیع در هند

در پژوهش علمی درباره شیعه در هند باید به چند نکته اساسی به‌عنوان مؤلفه‌های هویت‌ساز تشیع در هند اشاره کرد. توجه به این مؤلفه‌ها از آن‌رو حائز اهمیت است که می‌تواند ما را در درک بهتر کارکردهای اجتماعی سیاسی و مذهبی سنت‌های محرم در اقلیت شیعه در هند یاری نماید.

۱. شیعیان هند خود اقلیتی در میان یک اقلیت بزرگ‌تر دیگر، یعنی اهل سنت به شمار می‌روند. این ویژگی به دلیل تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی آن که بعضاً منجر به منازعات مذهبی اقلیت شیعه با سنی شده یا در نحوه مناسبات شیعه و سنی و همچنین اجرای سنت‌های مذهبی تأثیرگذار است مورد توجه بوده است. (Howarth, 2005: 13)

۲. هرچند به نظر می‌رسد که تشیع به‌عنوان آیین اسلامی، با بافت مذهبی جنوب آسیا تفاوت دارد و دیدگاه توحیدی آنان با آیین نمادین چندخدایی هندوئیسم در سطح عمومی منافات دارد، ولی از دیگر سوی قدرت تلفیق و سازگاری محیطی و مذهبی در شبه‌قاره هند یکی دیگر از مؤلفه‌های هویت‌ساز به شمار می‌آید که معرف محیط مذهبی آسیای جنوبی است. آنچه کلارنس مالونی^۶ انسان‌شناس آن را ویژگی مذاهب فطری، اصیل و سنتی (بودایی، هندوئیسم و جاینیزم) می‌نامد. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان از آن به توانایی و قابلیت آن‌ها در سازگار شدن با حجم عظیمی از مبانی مغایر و مختلف یاد کرد. (aziz, 1970:199)

۳. مؤلفه دیگر، نسبت حادثه کربلا با هویت شیعی در جنوب آسیاست. خاورشناسان برداشت‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به منشأ و خاستگاه اصلی شیعه در هند دارند. گروهی از مستشرقان از جمله بروکلیمان (بروکلمان، بی‌تا: ۳۱۹) بر این باورند که آغاز ظهور تشیع را باید در واقعه کربلا و بعد از شهادت امام حسین (ع) جست‌وجو کرد. دیوید پینالت^۷ نیز از جمله طرفداران این نظریه بوده و پس از توصیف حادثه کربلا آن را مقدمه لازم برای مطالعه و شناخت شیعه در آسیای جنوب شرقی می‌داند. (Pinault, 1997:2)

وی در توجیه نظریه خود به ادعای نویسندگان شیعه هندی مبنی بر پیوند تشیع هندوستان با نبرد کربلا استناد می‌کند. این نویسندگان روایتی را به این مضمون نقل کرده‌اند که امام حسین (ع) خواهان پناهندگی به هند بود برای اینکه همسرش شهربانو نسبت سببی با پادشاه هندوستان

چاندراکوپتا^۸ داشت. یک گروه از جنگجویان هند نیز به نام برهمن‌های موهیل به عراق رفته و با کمک به مختار ثقفی انتقام شکست حسین (ع) را گرفتند و از اوایل قرن‌های هفتم و هشتم نیز هندوستان پناهگاه شیعیانی بود که مورد آزار و اذیت خلیفه دمشق و بغداد قرار می‌گرفتند. (Pinault, 1997:37)

محرم؛ فرصت اعلام وفاداری مذهبی و نمایش سیاسی

قطب شاهیان را باید بانی و حامی هیئت‌های عمومی عزاداری محرم برشمرد و آن‌ها تعدادی زیارتگاه شیعی را در حیدرآباد بنا کردند و با تحکیم روابط خود با دولت شیعی صفوی ایران در تلاش برای اتحاد نیروها علیه سلطنت قدرتمند مغول (که عمدتاً سنی بودند) برآمدند. (هالیستر، ۱۳۱:۱۳۷۳-۱۳۴) نکته دیگری که باید بدان اشاره کرد، تأثیر زوال قدرت سیاسی شیعه هند بر اجرای مراسم محرم است. در قرن هفدهم فرمانروای مغول، یعنی اورنگ زیب^۹ از سلطان قطب شاهی به‌عنوان ظالمی یاد می‌کند که تمام پیروان خود را از مذهب ناب سنی منحرف کرده، به هم‌پیمانی با پادشاه ایران درآمده است؛ بنابراین، مجازات نکردن چنین مرتد و بدعت‌گذار و ممنوع کردن برپایی مراسم محرم را قصور و کوتاهی در وظیفه این امپراتوری اسلامی می‌داند. (همان)

در قرن هجدهم و در پی کاهش قدرت متمرکز شده مغول در دهلی، ایالت تحت نفوذ شیعه، یعنی «اوده»

توانست استقلال و خودمختاری سیاسی خود را به دست آورد. بزرگان و اشراف که عمدتاً مهاجران ایرانی بوده و از موقعیت‌های درجه دو در سلسله مغول برخوردار بودند در پی استقلال «اوده» به این منطقه آمدند. اشراف شیعه نیز از طریق برگزاری مراسم عمومی محرم در مرکز شهر «لکنهو» و همچنین به‌کارگیری علمای اصولی که در حوزه‌های دینی ایران و عراق تعلیم دیده بودند قدرت جدید و نوپای خود را علنی ساختند. «لکنهو» به‌عنوان مکانی که طی محرم درگیری‌های فرقه‌ای در آن رخ می‌داد از شهرت و آوازه نامطلوبی نیز برخوردار بود. گرچه درعین حال باید تأکید کرد که این مراسم شیعیان در دوره‌ای نقشی مثبت و چون پل وحدت و همسویی را در لکنهو بر عهده داشت. (Hjorshoj K., 1998:29)

در این خصوص همچنین به حضور مهاجران ایرانی در دربار امپراتوری سنی مذهب مغول و تأثیر آن در تعدیل مواضع مغولان نسبت به شیعه و فراهم‌سازی فرصت‌های مناسب برای برپایی آزادی‌های مذهبی باید اشاره کرد. دوران سلطنت پسر همایون، اکبر و جانشینان بلافاصله او شاهد افزایش حضور مهاجران ایرانی بود که در میان آن‌ها بازرگانان، شعرا و هنرمندان بودند. سلطنت و حکمرانی اکبر دوره مدارا با شیعیان به شمار می‌آید. حمایتی که شیعه در این زمان از آن برخوردار بود نشان‌دهنده وحدت التقاطی مورد حمایت دربار اکبر همراه با آمیزه‌ای از اصول

هندی، زرتشتی و اسلام عرفانی است. اکبر خود به‌طور خاص حامی تشیع نبود، بلکه در فضا و محیطی که او از دین الهی و مفهوم صلح جهانی سخن می‌گفت پایبندی مذهبی فرد بیش از وفاداری فردی به امپراتور اهمیت داشت. (رضوی، ۱۳۸۱، ۵۰-۲۵۰) با سلطنت اورنگ زیب (۱۷۰۷-۱۶۵۸) که مراسم شیعی را در امپراتوری مغول ممنوع و به قلمرو قطب شاهی دکن و به نام آیین درست سنی حمله کرد این مدارا و تعامل به پایان رسید. (Pinault, 1997:11)

حاکمان قطب شاهیان سنت پایدار حمایت دولتی از مراسم محرم را پایه‌ریزی کردند. قطب شاهیان آگاهانه از مراسم عمومی شیعیان برای ایجاد یک ویژگی فرهنگی مشترک میان افراد مختلف شهر دکن بهره می‌گرفتند. سنت‌های مراسم محرم حیدرآباد تأثیرپذیری ابعاد مختلفی از مذاهب اسلام و هندو را نشان می‌دهد. با این حال، در سال ۱۶۸۷ دولت قطب شاهی توسط اورنگ زیب ساقط شد و سلسله آصف شاهی با حمایت مغول‌ها تأسیس شد که در نهایت استقلال خود را نیز به دست آورد. (Schimmel, 1980:25) در دوره استعمار بریتانیایی، قلمرو آصف شاهی با مرکزیت حیدرآباد به‌عنوان یک دولت محلی خودمختار شناخته شد و تا الحاق اجباری هند بعد از دوره استعمار، زمانی که از شمال در سال ۱۹۴۸ مورد حمله قرار گرفت استقلال خود را حفظ کرد. حاکمان آصف شاهی سنی بودند (احتمالاً به استثنای آخرین حاکم) اما وزرای شیعه بی‌شماری در اختیار داشتند و اقدام قطب شاهی در حمایت و برگزاری مراسم عمومی محرم را ادامه دادند. این در حالی بود که آن‌ها بر جمعیتی که اکثر آن‌ها هندو بودند حکمرانی می‌کردند. چنین حمایتی سبب شد که شیعیان حیدرآباد دولت را ولی‌نعمت خود بدانند. (Hjorshoj K. 1998:29)

تأثیر محرم در مناسبات شیعه با سایر مذاهب

بررسی تأثیر محرم در واگرایی یا همگرایی اجتماعی اقلیت شیعه با سایر فرق و ادیان از دیگر موارد مورد توجه در مطالعه جامعه‌شناختی سنت‌های مذهبی محرم در هند بشمار می‌رود. مشارکت سنی‌ها و هندوها مراسم محرم را فراگروهی کرده است. دلیل این ویژگی جامع و همگانی محرم را باید مربوط به ارتباط میان مذهب و جامعه در هند سنتی برشمرد. در گذشته به‌خصوص دوره مغول نیز هویت شخصی فرد توسط مقامات مذهبی شکل نمی‌گرفت، بلکه وفاداری شخص به یک ارباب یا حامی از طبقه اشراف که می‌توانست برای او شغلی را فراهم کند بستگی داشت. این شبکه حمایتی که شامل جامعه مغول بود به جای آنکه به لحاظ قانونی، سراسری و همگانی باشد به یک منطقه محدود بود. این تمرکززدایی به حوزه مذهب نیز کشیده شده و در روابط اجتماعی و همچنین کیفیت برابری سنت‌های آیینی و مذهبی شیعیان نیز تأثیر گذاشته است. (Schimmel, 1980:89)

برخی از خاورشناسان همانند جان کول^{۱۰} از مذهب رایج بومی جنوب آسیا به‌عنوان دین فراقه‌ای هند توصیف می‌نماید. کول متذکر می‌شود که این فضای مدارا و تساهل میان‌فرقه‌ای برای علمای شیعه که از ایران و عراق آمده بودند و برای افزایش قدرت خود نزاع می‌کردند نفرت‌انگیز بود، زیرا این دانشمندان برخلاف مدرسه بسیار محافظه‌کار اخباری که به روحانیون برای بهره‌گرفتن از اجتهاد آزادی عمل در تمام ابعاد زندگی اعم از مذهبی اجتماعی و سیاسی داده شد به شکل اصولی به قوانین شیعه پایبند بودند. اصولیون گرچه بهره‌گیری از مهارت عقلانی را در احکام فقهی تقویت می‌کردند، ولی استقلال مذهبی و عقلانی را در میان مردم محدود می‌کردند، زیرا روحانیون اصولی تأکید داشتند که شیعه باید از یک عالم زنده به‌عنوان مرجع تقلید پیروی کنند. روحانیون اصولی لکنهو برای حفظ پایگاه نفوذ و اختیارات خود بی‌وقفه در تلاش بودند که مرز میان پیروان مذاهب در شهر را مشخص و تعیین کنند؛ آن‌ها از عمل تبری که همراه با لعن و نفرین علنی سه خلیفه اول بود حمایت می‌کردند تا از این طریق شرکت‌کنندگان سنی در مراسم سالانه را فراری دهند. (Cole, 1988:34)

در سال ۱۸۰۳ سید دلدار علی نصیرآبادی روحانی اصولی با توجه به شرکت‌کنندگان هندو در مراسم محرم فتوایی به این مضمون صادر کرد که (تا هر زمانی که کسی مطمئن نشده که فردی که بی‌دین متولد شده است تمام اعتقادات ضروری را پذیرفته، باید او را کافر قلمداد کرد حتی اگر بر امام حسین ع گریه کند.) و سایر روحانیون اصولی نیز قوانین فقهی شیعه را بر این اساس تفسیر کردند تا اثبات کنند که تماس با هندو طبق رسوم مذهبی آلوده‌کننده است. دولت «اوده» خود چنین تبعیضی را به‌طور حساب‌شده تأیید نمی‌کرد. شیعه همیشه در اقلیت بود؛ بنابراین، دولت ضرورتاً به حمایت شهروندان سنی و هندو متکی بود. با این حال حوادث اواسط قرن نوزده (اشغال اوده توسط بریتانیا در ۱۸۵۶، قیام ۱۸۵۷ و شکست تلاش هند برای استقلال) به تقسیم قدرت شتاب بخشید. دولت قدیمی تحت سلطه شیعه اوده از میان رفت و از اقلیت شیعی دولتی ضعیف و آسیب‌پذیر بر جای ماند که دیگر نمی‌توانست از جایگاه اجتماعی ممتازی برخوردار شود. حامیان اشرافی و شبکه‌های حمایتی فروپاشید و سیاست نوظهور مشارکت گروهی جایگزین آن شد. علمای اصولی لکنهو در پی‌ریزی زیربنایی برای هویت سیاسی در راستای خط سیر گروه‌ها و اقلیت‌ها مؤثر بودند. در اواخر قرن نوزدهم و بیستم ساده‌ترین روش برای بسیج مشارکت عمومی در سیاست از طریق توسل به هویت مذهبی بود. (Cole, 1988:24)

شیعیان شهر لکنهو به علت موقعیت ناامنی که به‌عنوان یک اقلیت بدون حمایت و پشتیبانی دولت برخوردار بودند و ترس شدیدی که از حذف و هضم اقلیت شیعه در جامعه در حال رشد و به لحاظ فرهنگی پرشور و حرارت سنی وجود داشت، موجب شد که به اظهار تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌ای روی آورند. عملی که نه تنها تبری را در برداشت، بلکه تلاش می‌شد که مراسم محرم شکل تازه‌ای به خود بگیرد به‌طوری‌که به فضای سوگواری و ماتم که مراسم از آن

نشأت می‌گیرد تأکید مجدد شود. رهبران جامعه شیعه قوانینی را در ممنوعیت نمایش‌هایی که خاص تعزیه سنی بود را اعلام کردند تا در مراسم محرم لازم‌الاجرا باشد. (Hjorshoj, 1988, 291), سنی‌ها که علی‌رغم سهم خود به‌عنوان اکثریت مسلمانان لکنهو از قدرت شیعیان در فضای جدید سیاسی آگاه بودند آیین‌های خاص خود را در مراسم محرم داشتند. آن‌ها به‌طور علنی به مدح صحابی به‌ویژه سه خلیفه که در عمل تبری توسط شیعه نفرین و لعن می‌شدند می‌پرداختند.

نکته حائز اهمیت دیگر اینکه محرم فرصت و مجال مناسبی را برای شیعه برای دفاع از هویت جمعی‌شان فراهم می‌آورد، زیرا شیعیان به‌عنوان یک طبقه متمایز و متفاوت از مسلمانان سنی به‌ندرت می‌توانستند در سطح عمومی جامعه و تاریخ هند ظاهر شوند و به معرفی ابعاد شیعی اسلام در هند بپردازند. (Hjorshoj K., 1988: 291) این رفتار شیعه را باید به عمل تقیه که نوعی کتمان مذهبی و پنهان کردن هویت خود به‌عنوان شیعه محسوب می‌شود مرتبط دانست. شیعیان لکنهو که در سنت‌های محرم با سنی‌ها اختلاف دارند در این ماه فرصتی می‌یابند که از تقیه به مطالبه صریح هویتشان تغییر رویه دهند؛ از این رو، مکانی را به خود اختصاص می‌دهند تا پایگاه و منزلت اجتماعی‌شان را به صورت اقلیتی مصیبت‌زده و رنج‌دیده و حامی حسین (ع) و شهدای کربلا به‌عنوان «قربانیان تاریخ» و به‌عنوان تعداد اندکی مؤمن پرهیزگار که همیشه توسط ستمکاران مورد حمله و تعدی قرار می‌گیرند نشان دهند. نتیجه تأسف بار چنین درگیری‌ها آن بود که دولت شهر لکنهو به‌کرات هر شکل از مراسم عمومی محرم را غدغن کرده است. (b.Freitag, 1987:142)

از دیگر سوی، محرم فرصتی است برای همگرایی و تقویت همبستگی‌های اجتماعی اقلیت شیعه با اهل سنت و هندوها. هر چند در پاره‌ای از مناطق هند، سنی‌ها و هندوها آیین خویش را در مراسم محرم به حدی وارد ساخته‌اند که صورت آن را دگرگون کرده‌اند. مثلاً در جنوب گجرات پس از روز چهارم، مراسم محرم به جشن و شادی تبدیل می‌شود و تا روز عاشورا جشن و سرور ادامه می‌یابد. یا برای سنی‌های حنفی، تعزیه‌های شیعه و اظهار اندوه و ماتم در کوی و برزن که گویی مخالفت و ضدیت با مشیت الهی است، دست‌کم غیرمعمول و خلاف اصول است، ولی صرف‌نظر از این مطالب در بسیاری از مناطق شمار کثیری از سنی‌ها در مراسم محرم شرکت می‌کنند، به‌گونه‌ای که تعداد هندوها از شیعیان افزون‌تر می‌شود. در توجیه مشارکت سنی‌ها و هندوها علاوه بر جایگاه امام حسین (ع) به‌عنوان نواده پیامبر (ص) در نزد اهل سنت به این نکته باید اشاره کرد که قلب انسان تشنه تفاهم و همدردی است و این چیزها را در اسلامی خشک و غیرقابل‌انعطاف (اسلام سنی) که تنها بر قدرت قاهره تأکید دارد نمی‌توان یافت. آن نایافته بشر را باید در توسل و شفاعت و جنبه انسانی آن جست که تا اندازه‌ای خواسته بشر را در دیانت اسلام برآورده می‌کند. دیگر اینکه شرح وقایع کربلا برای هندوان

جاذبه دارد و ایشان را متأثر می‌کند. در «بهار» برخی از کاست‌های پست در واقع حسن (ع) و حسین (ع) را به‌عنوان خدایان خود می‌پرستند. حتی بین کاست‌های اصیل هندو، مردان و زنان نذر می‌کنند که اگر صاحب فرزند پسر شوند او را چند سال به‌عنوان «پیک» به چاکری عزاداران محرم بفرستند. (b.Freitag, 1987)

«آرنولد» در کتاب نقش علما در ترویج شیعه می‌گوید: «راجه‌های بت‌پرست در شمال گجرات با وعاظ و تجار شیعه خوش‌رفتاری می‌کردند و از احسان و نیکی نسبت به آن‌ها دریغ نمی‌ورزیدند و گروه زیادی از بت‌پرستان در ظل مساعی این وعاظ تشیع را پذیرا شدند.» (هالیستر، ۱۳۷۳: ۳۲۰)

«دیوید پینالت» در نوشتار خود درباره جنبه‌های تأثیرگذاری محرم در ایجاد همبستگی اجتماعی شیعیان با سایر فرق می‌گوید: «مراسم مذهبی محرم نمودی است از کارکرد سنت‌های مذهبی برای ایجاد ارتباطات فرقه‌ای و گروهی؛ بنابراین، تعجب‌آور نیست که هیئت‌های عزاداری در برخی مناطق از جمله «له» برای نشان دادن و تأکید بر وحدت و همبستگی مسلمانان در برابر تنش‌های قومی استفاده می‌شود و به‌عنوان بخشی از پروسه بهبود روابط از مراسم مذهبی برای در کنار هم بودن و گرد هم آمدن مسلمانان با هندوها و بودایی‌ها در کنار هم و در فضایی صمیمی و فارغ از درگیری استفاده می‌کنند.» (Pinault, 1997:320) وی در بخش دیگر از تحقیقات میدانی خود به تأثیرات فرهنگی و اجتماعی برخی از سنت‌های محرم شیعی در ایجاد تمایزات مذهبی بین شیعه و سنی نیز می‌پردازد و چنین می‌گوید: «گرچه سنی‌ها به خانواده پیامبر (ص) احترام می‌گذارند و در برخی موارد بانی مراسم محرم می‌شوند، اما از شرکت در مراسم ماتم که یک سنت شیعی است امتناع می‌نمایند. سنی‌ها برای امتناع از این کار به دلایل مختلفی استناد می‌کنند. آن‌ها معتقدند که در هیچ جای قرآن آیه‌ای نیست که به خودزنی یا انجام هر شکل از سوگواری‌های افراطی برای مرده دستور داده باشد. استدلال دیگر آن بود که گرچه کربلا یک شکست نظامی بود، اما در حقیقت یک پیروزی معنوی است؛ از این رو، می‌تواند دلیلی برای جشن گرفتن باشد نه غم و اندوه. شیعیان حیدرآباد همانند شرایط موجود در و لکنهو، به‌عنوان اقلیت جامعه مسلمان این شهر محسوب می‌گردند که به نوبه خود با جمعیت عظیم هندو زندگی می‌کنند، اما برخلاف لکنهو مراسم محرم در حیدرآباد سال‌هاست که فارغ از اختلافات گروهی فرقه‌ای است. دلیل این امر آن است که برپایی مراسم آرام و بی‌دغدغه محرم به تاریخ حیدرآباد به‌عنوان یک دولت مستقل امیرنشین برمی‌گردد.» (Pinault, 1997:80-83)

تأثیر محرم در تقویت هویت اجتماعی و مذهبی شیعیان

از دیگر تأثیرات سنت‌های محرم بر جامعه شیعه در هند، نقش تبلیغی و دفاع از هویت مذهبی و همچنین تأثیر درون‌مذهبی موجود در سنت‌های محرم در تحکیم و گسترش ارتباطات در میان اقلیت شیعه در هند، شکل‌گیری موقوفات، انجمن‌ها، حسینیه‌ها و سایر مراکز مذهبی و اجتماعی شیعی است.

«جاستین جونز» در کتاب اسلام شیعی در مستعمره هند فصلی را به مساجد، تکایا و موقوفات شیعه در هند اختصاص داده و درباره نقش و تأثیر محرم در ایجاد جنب‌وجوش اجتماعی در میان شیعیان اظهار می‌کند: «پس از مدارس و مساجد با تکایای شیعیان هندی مواجه می‌شویم که به آن‌ها دربار می‌گویند. قهرمانان کربلا با نماد شیر و ببر که حاکی از نمادگرایی مردم هند است به نمایش گذاشته شده است. کتاب‌فروشی‌ها، عطاری‌ها، خیاطی‌ها، خود را برای مراسم محرم آماده‌سازی می‌کنند. شیعیان چند روز قبل از شروع محرم به خانه‌تکانی و نظافت امام‌بارها، حسینیه‌ها و مساجد می‌پردازند و با هیجان و شور خاصی به استقبال این ماه می‌روند. دهه اول که هر کدام به نام یاران امام حسین (ع) نام‌گذاری شده است با برگزاری مجالس عزا و اهدای نذورات، از جمله پخت‌وپزهای خاص است.» (Jones, 2011:124)

«هالیستر» در شرح مفصلی که از سنت‌های آیینی محرم در نزد شیعیان هند می‌دهد به برخی جنبه‌های تأثیرگذاری عاطفی و اجتماعی این سنت‌ها نیز اشاره می‌کند. وی ضمن تأکید بر اهمیت محرم در نزد مسلمانان و شیعیان و همچنین پیوند میان نشر مذهب شیعه با مراسم محرم اشاره دارد و یادآور می‌شود: «رشته‌ای که مراسم عزاداری ده روز اول و بقیه محرم را به هم پیوند می‌دهد و موجب هماهنگی می‌شود، «مجالس عزاداری» است. در این مجالس وقایع این ایام جزء به جزء ذکر می‌شود. در روزهای اول و دوم دوستان و خویشاوندان به دیدار یکدیگر می‌روند و در این دیدارها شرحی درباره عزیمت امام برخلاف تمایل خانواده‌اش و مراحل سفر آن حضرت و ورود او به کربلا بازگو می‌شود. روزهای چهارم و پنجم، روزهای ذکر مصائب یاران امام است و هر یک از روزهای دیگر به یکی از شهدای خاندان حسین (ع) و وقایع آن اختصاص دارد. تعزیه از لوازم اصلی محرم است. در عرف شیعی این کلمه به معنی سوگواری و تعزیه امام حسین (ع) است، ولی در شمال و نواحی جنوب هند و در بین سنی‌ها این تعزیه‌ها را قبر ساختگی امام حسین (ع) یا تابوت می‌خوانند. مجالس در منازلی که تعزیه را در آنجا قرار می‌دهند و گاه در منازل بدون تعزیه تشکیل می‌دهند. در این ایام مردم دسته‌دسته از خانه‌ای بیرون می‌آیند و به خانه دیگر می‌روند. در مجامع بزرگ، روضه‌خوان‌ها به شرح وقایع عاشورا می‌پردازند. اگر مجالس روضه‌خوانی و عزاداری به‌منزله قلب مراسم محرم باشد، نمایش و شبیه‌سازی وقایع کربلا مجال مناسبی است برای تجلی شکوه و جلال مجدد واقعه عاشورا و به

خوبی به ارزش آن‌ها در جلب و ایجاد علاقه و برانگیختن احساسات توجه شده است.» (هالیستر، ۱۳۷۳: ۱۹۴)

پینالت نیز ضمن بررسی توصیفی سنت ماتم به تأثیرات اجتماعی آن در هویت شیعی در «حیدرآباد» و «ندرا ایرادش» می‌پردازد و می‌افزاید: «تحقیقات من در حیدرآباد بر گروه ماتم یعنی انجمن‌های محلی شیعه یا جمعیت مردان محلی که طی محرم مراسم ماتم را برگزار می‌کنند متمرکز شد. ماتم به لحاظ مفهوم کلی بر حالت گریه و زاری برای متوفی دلالت دارد. در متون شیعه، ماتم نمایانگر عزاداری برای حسین (ع) و سایر شهدای کربلا عمدتاً به شکل سینه‌زنی مکرر و گاهی به شکل صدمه زدن به خود با استفاده از تیغ یا زنجیر است. گروه‌های مردان و زنان هر کدام مجالسی را برگزار می‌کنند که در آن وعاظ سخنرانی‌هایی طولانی ایراد می‌کنند که طی آن به تشریح مصائب کربلا می‌پردازد. بعد از سخنرانی، شرکت‌کنندگان برای خواندن نوحه (شعر ماتم) بلند می‌شوند و ماتم و زاری می‌کنند. در اینجا می‌خواهم نشان دهم که چطور جمعیت‌های بانی و برگزارکننده ماتم در حس هویت اجتماعی شیعه حیدرآباد تأثیرگذارند. کربلا تنها نمونه خارق‌العاده از رنجی است که اولیای شیعه محتمل آن شدند و به علت این معصومیت است که خداوند به حسین (ع) و خانواده‌اش قدرت شفاعت از افرادی را اعطا کرد که در مراسم عزاداری محرم که هر ساله به احترام شهدای کربلا برگزار می‌شود یادش را گرمی می‌دارند. مراسمی که از درون‌مایه و مضمونی از رنج، تخلیه ارادی خود و یادبودی برای ارائه مفاهیم مختلف که با هویت شیعه مرتبط است.» (Pinault, 1997:11)

محرم فرصت برانگیختن حس همدردی و تخلیه رنج‌ها

نوحه و مرثیه‌خوانی وسیله و فرصتی برای شیعیان هند فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از مضامین آن، حس همدردی جامعه را نسبت به خود به‌عنوان اقلیتی رنج‌دیده برانگیزانند. پینالت در این زمینه می‌گوید: «نوحه به دنبال برانگیختن تأثر و اندوهی است که مربوط به لحظه‌های خاصی از رنج‌های شهداست. ویژگی نوحه در یادآوری و تجسم دل‌خراش و تأثرآور علاوه بر بُعد کلامی دارای بُعد زیباشناختی است. این تصویرپردازی به وسیله شعرهایی ظاهر می‌شود که برای تحریک و برانگیختن غم و اندوه در میان شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده و تقوا و پرهیزگاری شیعیان این امتیاز مذهبی را حفظ می‌کند که توسط آن دسته که برای حسین (ع) گریه می‌کنند و آن دسته که دیگران را به گریه وامی‌دارند به دست آمده است. درست است که این شعرها توأم با غم و اندوه است و خاطرات گذشته را گرمی می‌دارد، اما درعین حال سبب می‌شود که شرکت‌کنندگان وضعیت امروزه خود را در آیین تاریخی بنگرند و تأمل کنند. شرکت‌کنندگان ترغیب می‌شوند که خود را بخشی از سلسله متصل عزاداران ببینند که از طریق ماتم، از نسلی به نسل دیگر مرتبط‌اند. دقیقاً به این دلیل که ماتم حالتی که اساساً به‌عنوان

ویژگی و خصوصیت شیعیان تلقی می‌شود در تعریف اجتماعی شیعیان مؤثر است.» پینالت همچنین شرکت گروه‌های سنی و غیرمسلمانان هندو در مراسم تعزیه را ناشی از ظرفیت مراسم محرم در تخلیه رنج‌ها می‌داند. (Pinault, 1997:83)

کارکردهای فرامذهبی سنت‌های محرم در هند

مراسم محرم را می‌توان پل وحدت و اشتراک نظر بین اقلیت شیعه با سایر گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی در هند دانست. علی‌رغم برخی منازعات و رقابت‌های مذهبی شیعه و سنی، سنت‌های محرم در هند اختصاص به اقلیت شیعه نداشته و مسلمانان اهل سنت و همچنین غیرمسلمانان هندو و بودایی نیز به این سنت‌ها هر چند با برخی افزودگی‌ها و تغییرات پایبندند.

«جان کول»، دلیل این ویژگی جامع و همگانی محرم را مربوط به ارتباط میان مذهب و جامعه در هند سنتی برمی‌شمرد. وی نبود نسبی مقامات نظارتی مذهبی در کنار آزادی‌های مذهبی را دلیل دیگر همگانی شدن و تمرکززدایی از مذهب در هند برمی‌شمرد. (Cole, 1988:21)

«جی. ای. براون» می‌گوید که در دکن مراسم محرم کارناوال و جشنواره سال است و سنی‌ها بیشتر از شیعیان به برگزاری آن توجه می‌کنند. (E.Brown, 2003, 68)

«دیپاناک» از این ویژگی مذهب در جنوب آسیا به‌عنوان «درشنایی»^{۱۱} یاد می‌کند و می‌گوید: «پرستش شامل فرصتی است برای حضور در پیشگاه ربوبیت و نظاره کردن تصویر با چشمان خود تا توسط الوهیت دیده شوی و ببینی. مذهب درشنایی نه تنها شامل دیدن است، بلکه آراستن، لباس پوشاندن و لمس تمثال خدا را شامل می‌شود و در جهت‌گیری تمثیلی و نمادین است و اجازه می‌دهد که فرد ملاقات و دیدار مستقیم با معبود خود داشته باشد. در مراسم عمومی محرم، عود کردن و آراستن علم‌ها با تاج گل، ساخت و حمل تابوت‌ها (تعزیه) که با فروردن آن در آب همراه است، آتش افروختن و غیره را می‌توان درشنایی توصیف کرد؛ بنابراین، ویژگی ضرورتاً این مراسم اختصاصی به شیعه پیدا نمی‌کند و سنی‌ها که صادقانه حسین (ع) را دوست دارند در آن شرکت می‌کنند و بر حسین (ع) اشک می‌ریزند و هندوها نیز محرم را گرامی می‌دارند و حسین (ع) را به‌عنوان الهه مرگ می‌پذیرند. اسب غرق در خون حسین (ع) و سر بریده حسین (ع) بر روی نيزه‌های سپاه بنی‌امیه را به اندازه کالی دورگا^{۱۲} که با گردنبندی از جمجمه باعث ترس و وحشت می‌شود مقایسه می‌کنند.» (Journal, 1992:38)

«پینالت» نیز در بررسی محرم در دارجلینگ (غرب بنگال) به بررسی جنبه‌ها و ابعادی از مراسم و آیین شیعیان می‌پردازد که قابل انتقال به محیط غیرشیعی است. وی می‌گوید: «بسیاری از شیعیانی که به شهرهای شمال هند مهاجرت کردند نیز مراسم و سنت‌های محرم را که در این مناطق شهرها متداول است با خود به این منطقه آوردند. هر ساله جمعیت مسلمان «دارجلینگ» هیئت‌هایی را در ده روز اول محرم تشکیل می‌دهند که به راهپیمایی عاشورا منتهی می‌شود که

هزاران تماشاگر را به سوی خود می‌کشاند، اما این اقدامات توسط مسلمان سنی انجام می‌گیرد نه شیعیان؛ بنابراین، فضای حاکم بر تماشاچیان دارجلینگ، فضای سوگواری پر اشک و آه نیست، بلکه (برخلاف حیدرآباد) فضای شاد و مراسم پرشور در آنجا حاکم است. تقریباً همه آن‌ها سنی هستند، گرچه در گذشته تعداد زیادی شیعه در آنجا ساکن بودند که در سال ۱۹۴۰، یعنی کمی بعد از استقلال و تجزیه، آنجا را ترک کردند. وی در توجیه فرامذهبی بودن سنت‌های محرم خاطر نشان می‌کند که: «جشن محرم روشی برای برطرف کردن نیاز مردم است و مسلمانان سنی به محرم به‌عنوان فرصتی برای گریه کردن در این ایام اهمیت نمی‌دهند، بلکه این گرایش مربوط به جایگاه اجتماعی مسلمانان به‌عنوان جمعیت اقلیت است؛ بنابراین، فارغ از منشأ این سنت‌ها و فارغ از ارتباط آن با تشیع، در هر کجای دیگر هند. محرم در هند روشی قانونی برای نمایش حضور مسلمانان در آن محسوب می‌شود.» (Pinault, 1997:80)

«ابوصادق خان» استاد بخش مطالعات هنرهای نمایشی و اجرایی دانشگاه نیویورک در مقاله خود به تأثیرپذیری سنت‌های شیعی محرم از کیش هندو اشاره می‌کند و تبدیل شدن مراسم عزاداری به جشن و پای‌کوبی که طی روزهای چهارم تا دهم محرم در جنوب گجرات اجرا می‌شود را برداشتی مستقیم از شادی کردن هندوان در مراسم هالی^{۱۳} و جشن آتش می‌داند. (چشم انداز ۱۳۸۱، شماره ۲۱)

محرم و پیوستگی شیعیان هند با جامعه جهانی شیعی

گذشته از مبحث تاریخی پیوستگی و همچنین تأثیرپذیری سنت‌های مذهبی آنان با دولت‌ها و جوامع شیعی در ایران و برخی کشورهای عربی، در دوره معاصر^{۱۴} نیز محرم فرصت زمانی مناسبی را برای اقلیت شیعه هند فراهم می‌آورد تا از مناسبات و پیوندهای خود با جامعه شیعه در خارج از هند به نمایش بگذارند. (معصومی، ۱۳۸۳: ۴۸)

«جاستین جونز» و «ابوصادق خان» نوحه‌خوانی فارسی، حضور مبلغان و واعظان عرب و ایرانی در ایام محرم در جمع اقلیت شیعه در هند و همچنین نمایش و یادآوری شباهت‌ها و علائم مشترک مربوط به جامعه جهانی شیعی را اظهار علاقه اقلیت شیعه هند در متصل کردن خود به جامعه جهانی شیعه می‌داند. (ابوصادق خان، ۱۳۸۱، شماره ۲۱)

«پینالت» نیز در گزارش خود به فراهم‌سازی فرصت محرم برای برقراری ارتباطات درونی و بیرونی جامعه شیعه در هند اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌سازد: «طی تحقیقات در حیدرآباد به این نتیجه رسیدم که جمعیت شیعه کمتر منزوی می‌شود و عمدتاً از سایر جمعیت‌های شیعی در هند و سایر مناطق جهان مطلع و آگاه است. در حیدرآباد نیز من خطیب مهمانی را دیدم که اهل

کراچی بود. کنسولگری ایران در حیدرآباد بانی مجالسی در منطقه «اولد سیتی» شهر می‌شد، من در کتاب دیگری به تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم نقش خود به‌عنوان پیشوای مذهبی شیعیان در شبه‌قاره هند پرداخته‌ام. زمانی که با شیعیان هند در مورد برداشت آن‌ها از رابطه شیعیان هند با دنیای خارج پرسش کردم، تردید را در آن‌ها دیدیم. آن‌ها به‌وضوح به انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران می‌بالیدند و آیت‌الله خمینی را به خاطر نقشی که در دفاع و تأکید بر باورهای شیعه در عرصه بین‌المللی داشت و نقش آن به‌عنوان جایگاه اصلی هویت شیعه در سراسر جهان تحسین می‌کردند، اما این جهان‌نگری با حقیقت ناخوانده دیگری متوازن شده است. شیعیان هند کاملاً از پایگاه اجتماعی خود به‌عنوان اقلیت آگاه‌اند. افرادی که با آن‌ها مصاحبه کردم با تنش‌های و نگرانی‌های شیعیان در پاکستان آشنا بودند و می‌دانستند که شیعیان پاکستان به‌عنوان اقلیت در کراچی و جاهای دیگر متناوباً در معرض خشونت قرار می‌گیرند. تعمیم و نتیجه‌گیری‌ها در فضای متنوع و گوناگونی چون هند پرمخاطره است. باین‌حال، حداقل در (حیدرآباد) و (لاداک) من با شیعیانی ملاقات کردم که دولت هند را به‌عنوان حافظ و ضامن حق خود در برگزاری مراسم و ترتیب دادن هیئت‌های عمومی در محیطی که عمدتاً غیرمسلمان‌اند می‌دانند. علی‌رغم تنش‌های فرقه‌ای در مناطقی چون (لکنهو)، جمعیت شیعه هند عمدتاً در ارتباطشان با دولت سازگار و بدون درگیری هستند.» (pinault, 1997:30) وی همچنین سنت‌های محرم در (جامو) و (کشمیر) را نوعی پیوستگی‌های فرهنگی و مذهبی شیعیان هند با جهان خارج برمی‌شمرد و خاطر نشان می‌سازد: «صد خانوار شیعه در شهر وجود دارد که ۵ تا ۶ درصد از کل جمعیت ۱۰ تا ۱۲ هزار نفری شهر را تشکیل می‌دهد. ماتم‌سرای شیعه (نظیر امام‌باره یا حسینیه) درست در بازار اصلی قرار دارد. در ایام محرم تابلویی در معرض دید قرار می‌گیرد تا افراد را از وجود مراسم در آنجا مطلع کند. پلاکارد ذوالجناح، اسب امام حسین (ع)، را با نیزه‌هایی در بدن و خون‌آلود به تصویر کشیده است. پرچم‌هایی سبز و سیاه در دو طرف پلاکارد قرار گرفته است، همراه با بنرهایی که حاوی نقل‌قول‌هایی به زبان اردو و انگلیسی از آیت‌الله خمینی است. در داخل ساختمان سالن بزرگی است که در عقب آن منبر خطیب قرار گرفته که با تصویر دیگری از ذوالجناح و پنجه علم نقره‌ای (ببرق‌های جنگ به شکل دستانی سمبلیک و محافظ) بر روی دسته آن مزین شده است. بر روی دیوار داخلی زیارتگاه پرده‌های پارچه‌ای نصب شده که روی آن تصاویری مربوط به کربلا دوخته شده است؛ تصاویری چون ذوالجناح و گل رز که سمبل شهادت، دستان قطع شده حضرت عباس، مشک آب که با تیرهایی سوراخ شده که با آن حضرت عباس سعی کرد برای کودکان حسین (ع) آب بیاورد. مدل این پرده‌ها کاملاً مشابه کارهای هنری است که من در زیارتگاه‌های شیعیان در دمشق دیده بودم و درواقع جوانی که اطراف زیارتگاه مرا راهنمایی کرد به من گفت این پرده‌ها توسط مهاجران شیعه اهل لاداک از خاورمیانه آورده شده است که آن را به ماتم‌سرای له هدیه

کردند. این کارهای هنری همراه با تقویمی با تصاویری از رهبران بزرگ ایران را دیدیم که در مغازه‌ها و کیوسک‌ها آویزان بود که نشان‌دهنده روش‌هایی است که از طریق آن شیعیان «له» از ارتباط و پیوندشان با جامعه جهانی شیعه آگاه می‌شوند.» (Pinault, 1997:82)

نتیجه‌گیری

تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و هویتی محرم بر اقلیت شیعه در هند موضوعی است که در حوزه شیعه‌پژوهی حائز اهمیت بوده و از مؤلفه‌های هویت‌ساز شیعه در این سرزمین محسوب می‌شود. محرم فرصت و مجال مناسبی را برای شیعه هند برای دفاع از هویت جمعی‌شان فراهم می‌آورد، زیرا شیعیان به‌عنوان یک طبقه متمایز و متفاوت از مسلمانان سنی به‌ندرت می‌توانستند در سطح عمومی جامعه و تاریخ هند ظاهر شوند و به معرفی ابعاد شیعی اسلام در هند بپردازند. شیعیان در این ماه فرصتی می‌یابند تا پایگاه و منزلت اجتماعی‌شان را به صورت اقلیتی مصیبت‌زده و رنج‌دیده و حامی حسین (ع) و شهدای کربلا نشان دهند.

محرم فرصت هم‌گرایی و تقویت همبستگی‌های اجتماعی اقلیت شیعه با اهل سنت و هندوها را نیز فراهم می‌آورد و نمودی است از کارکرد سنت‌های مذهبی برای ایجاد ارتباطات فرقه‌ای و گروهی. همان‌گونه که نقش تبلیغی و دفاع از هویت مذهبی و همچنین تأثیر درون‌مذهبی موجود در سنت‌های محرم در تحکیم و گسترش ارتباطات در میان اقلیت شیعه در هند را در کنار شکل‌گیری موقوفات، انجمن‌ها، حسینیه‌ها و سایر مراکز مذهبی و اجتماعی شیعی را باید از جنبه‌های تأثیرگذاری عاطفی و اجتماعی این سنت‌ها بر حس هویت اجتماعی شیعه به شمار آورد.

نوحه و مرثیه‌خوانی وسیله و فرصتی برای شیعیان هند فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از مضامین آن حس همدردی جامعه را نسبت به خود به‌عنوان اقلیتی رنج‌دیده برانگیزانند. همان‌گونه که مسلمانان شیعه و سنی هند از محرم به‌عنوان فرصتی نه صرفاً برای گریه کردن، بلکه روشی قانونی برای نمایش حضور مسلمانان در آن کشور بهره می‌گیرند. کما اینکه محرم فرصت زمانی مناسبی را برای اقلیت شیعه هند فراهم می‌آورد تا از مناسبات و پیوندهای خود با جامعه شیعه در خارج از هند و متصل کردن خود به جامعه جهانی شیعه نیز بهره گیرد.

یادداشت‌ها

۱. هند با داشتن بیش از ۱۸۰ میلیون جمعیت مسلمان، پس از اندونزی دومین جمعیت مسلمانان را در خود جای داده است.

۲. می‌توان به آثاری همچون «اقلیت شیعه دوازده‌امامی در هند» از تابی هاورث؛ کتاب «تشیع در هند» اثر جان نورمن هالیستر؛ کتاب «اسلام شیعی در مستعمره هند» از جاستین جونز؛ «هویت شیعی و اهمیت محرم در لکهنو» از کیت هجورتشوج؛ «ریشه‌های تشیع در شمال هندوستان و ایران» از جی. آر. ای. کول؛ «خطابه اشک» از جیمز اسکوبل، یاد کرد. در این میان دیوید پینالت را می‌توان به دلیل حجم پژوهش‌هایی که درباره شیعه در هند صورت داده است بیش از دیگر خاورشناسان شیعه‌پژوه فعال دانست. وجه تمایز وی نسبت به دیگر خاورشناسانی که درباره شیعه در هند تحقیق کرده‌اند این است که وی علاوه بر کتاب و مقالاتی که درباره تاریخ و فرهنگ شیعه در هند نگاشته، آثار متعددی را نیز مستقلاً به مباحث مربوط به محرم و سنت‌های آیینی شیعیان هند اختصاص داده است که از آن میان می‌توان به «اسب کربلا: مطالعه در مورد عبادات مسلمانان جنوب آسیا»؛ «تشیع: اشعار آیینی و مشهور در یک جامعه مسلمان»؛ «روز شیر: مراسم عزاداری و هویت شیعه در لداخ»؛ «تشیع در جنوب آسیا»؛ «اجتماعات مردان مسلمان شیعه و بزرگداشت محرم در حیدرآباد هند»؛ «فصلی از کتاب میراث تشیع با عنوان آیین‌های ریاضت‌های نفسی در روایات مسیحیت و تشیع»؛ «روابط مسلمانان و بوداییان در یک بافت مذهبی: تحلیلی از دسته‌های عزاداری محرم در شهرستان «له» در لداخ»؛ «زینب بنت علی (ع) و جایگاه زنان خانه‌دار امامان نخستین در ادبیات عبادی شیعه»؛ «احساس و هنر در مراسم شیعیان معاصر»؛ «ما پروانه‌های حسینیم»؛ «تحلیل تطبیقی آداب مرثیه‌خوانی شیعیان در هند معاصر و انجمن توبه مسیحی قرن چهاردهم در ایتالیا و آلمان» اشاره کرد.

۳. کمیته راجیندر ساچر (Rajinder Sacher Committee) در سال ۲۰۰۵ به دستور منوهان سینگ، نخست‌وزیر هند، تشکیل شد. وظیفه این کمیته تهیه گزارشی درباره آخرین وضعیت اجتماعی، اقتصادی و آموزشی جامعه مسلمانان هند است.

۴- برای مطالعه بیشتر در خصوص ساختار جمعیتی و فرهنگی و نقش تاریخی شیعیان هند رجوع کنید به: اظهر رضوی، سید عباس، تاریخ اجتماعی-فکری شیعه در هند، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم. همان نویسنده تاریخ تصوف در هند ترجمه منصور معتمدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱. ارشاد، فرهنگ، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹. ایران و هند، مجموعه مقالات، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۸۵. جان نورمن هالیستر، تشیع در هند، ترجمه آذرمدخت مشایخ فریدونی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۳.

۵. ر.ک. به رفیق زکریا «نزاع در اسلام»؛ موجان مؤمن «معرفی اسلام شیعی»؛ هاینس هالم «تشیع»؛ (مبحث تشیع دوازده‌امامی در شبه‌قاره)؛ سیاوش یاری «تاریخ اسلام در هند»؛ اظهر رضوی «شیعه در هند».

6. Clarence Maloney

7. David Pinault
8. Chandra Gupta
9. Aurangzeb
10. J.R.Cole

۱۱. از واژه سانسکریتی درشنا، یعنی دیدار فرخنده الوهیت.

12. Kali Dorga
13. Holli

۱۴. ر.ک. «تاریخ اسلام در هند» از سیاوش یاری؛ «تشیع در هند» از جان نورمن هالیستر؛ «مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند» از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۹.

منابع الف - کتاب

۱. رضوی، سید اطهر عباس، ۱۳۷۶، شیعه در هند، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲. رضوی، سید اطهر عباس، ۱۳۸۱. تصوف در هند، ترجمه منصور معتمدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۳. هاینس، هالم، ۱۳۸۵، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، قم: نشر ادیان، چاپ اول.
۴. توال، فرانسوا، ۱۳۸۰، ژئوپلیتیک تشیع، ترجمه حسن صدوقی ونینی، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۵. هالیستر، جان نورمن، ۱۳۷۳، تشیع در هند، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۶. یاری، سیاوش، ۱۳۸۸، تاریخ اسلام در هند (از آغاز تا قرن پنجم هجری قمری)، قم: نشر ادیان، چاپ اول.
۷. کوبی، جمیله، ۱۳۹۳، تحلیل گزارش کمیته ساچر درباره وضعیت اجتماعی، اقتصادی و آموزشی مسلمانان هند، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، چاپ اول.
۸. عزیز، احمد، ۱۳۸۹، تاریخ تفکر اسلامی در هند، مترجمان نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. بی‌نام، ۱۳۷۹، مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. بروکلیمان، کارل، بی‌تا، تاریخ الادب العربی، ترجمه عربی عبدالحلیم النجار، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۱. رونالدسن، ادوایت م، ۱۴۱۰ق، العقیده الشیعه، ترجمه عربی، چاپ بیروت: نشر مفید، چاپ دوم.

ب- مقالات

۱۲. ابوصادق خان، (۱۳۸۱)، «محرم در هند»، ترجمه علی اصغر جنت پور، فصلنامه چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شماره ۲۱، ۲۶-۲۱.

ج- پایان‌نامه

۱۳. معصومی، محسن، ۱۳۸۳، فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی دکن و دوره بهمنیان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.

د - انگلیسی

14. Pinault ,David (1997), SHIISM IN SOUTH ASIA ,The Muslim World. St. Martin's Press, New York, NY.

15. Cole ,J. R. I. (),Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq ,Religion and State in Awadh, 1722-1859 .UNIVERSITY OF CALIFORNIA PRESSBerkeley · Los Angeles · Oxford.

16. Toby ,Howarth ,(2005), Shia as a muslim minority in India ,Routledge ,U.S.A.

17. Justin Jones . Shia Islam in Colonia India ;Religion ,Community and Sectarianism,Cambridge Studies in India History and Sociaty .

18. Hjørshoj,Keith ,(1988) ,"Shii Identity and the Significance of Muharram in lucknow,India,"Kramer.University of California Press.

19. Jams SchubeIVernon ,(1993) ,Religious performancein Contemporary Islam :Shii Devotoinal Rituals in South Asia Columbia University of South Carolina Press.

20. B.Freitag Sandria(, 1987), ,"Sunnis and Shia:From community Identity to Communal Sectarianism in North Indian Islam ,Peter Gaeffke,University of Pennsylvania.

21. Schimmel ,A nnemarie ,(1980,)Islam in the Indian Subcontinent, E.J.Brill/Leiden-Koln,Printed in the Netherland.